



فصلنامه علمی-پژوهشی «مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی» منتشر کرد:

تأثیر دولت رانتیر بر فرآیند خصوصی سازی؛ ۴۷ مطالعه موردی: ایران بعد از انقلاب

مقاله پیش رو درصدد است تا تأثیر دولت رانتیر بر فرآیند خصوصی سازی در ایران بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ را بررسی کند. در این راستا، سهم بودجه ای شرکت های دولتی از کل بودجه کشور به عنوان شاخص خصوصی سازی و وابستگی ۴۰ درصدی دولت به رانت حاصل از منابع طبیعی به عنوان شاخص دولت رانتیر در نظر گرفته شده است.

پرسش اصلی مقاله عبارت است از اینکه دولت رانتیر چه تأثیری بر فرآیند خصوصی سازی در ایران بعد از انقلاب داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله حاضر بدین صورت است که دولت رانتیر در ایران پس از انقلاب از طریق دو مؤلفه افزایش حجم بودجه عمومی دولت و افزایش مقررات گذاری، در تلفیق با اصل ۴۴ قانون اساسی، اندازه دولت را در اقتصاد بزرگ کرده است و در نتیجه، منجر به ناکامی خصوصی سازی شده است. ماهیت این مقاله کیفی، روش آن توصیفی-تحلیلی، رویکرد به کار گرفته شده اقتصاد سیاسی و ابزار گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای (اسنادی) است.

پول نفت یا هر ثروت بادآورده دیگری وقتی وارد مناسبات اقتصاد سیاسی یک کشور می شود، در اقتصاد بیماری هلندی و در سیاست دولت رانتیر را به وجود می آورد. وابستگی به این ثروت که در واقع دارایی و نه درآمد است سبب تغییر ماهیت دولت می شود و آن را تبدیل به یک گونه خاص از دولت ها می کند که در هر یک از رشته های جامعه شناسی، علوم سیاسی و اقتصاد در مورد ویژگی های آن بحث می شود. از مهم ترین این ویژگی ها می توان به استقلال از جامعه و نبود مشارکت سیاسی (۱۱-۱۰: ۱۹۹۰)، عدم گرایش به دموکراسی (۱۶۴: ۱۹۹۹؛ لوچیانی، ۱۳۷۴: ۴۲۵)، ارتباط ناچیز بین سودهای نفتی و فرآیند تولید در اقتصاد داخلی دولت های رانتیر (۴۲۹: ۱۹۷۰)، و رابطه معکوس بین درآمد نفتی و آزادی که فریدمن از این ارتباط تحت عنوان قانون اول پتروپالیاتیک یاد می کند (۲۸: ۲۰۰۶)، اشاره کرد.

از آنجا که در دولت های رانتیر، این ثروت (رانت)، مستقیماً و انحصاراً وارد خزانه دولت می شود و دولت دریافت کننده اصلی و توزیع کننده رانت خارجی است، لذا یکی از اثرات این امر گسترش اندازه دولت و بخش دولتی در اقتصاد است. به بیان دیگر، اگر در یک تقسیم بندی کلی سه مؤلفه حجم بودجه عمومی دولت، میزان مقررات گذاری و نوع مالکیت (دولتی یا خصوصی) را دلیل بزرگ یا کوچک شدن اندازه دولت ها در اقتصاد در نظر بگیریم، دولت رانتیر با قرار دادن درآمد حاصل از رانت طبیعی در بودجه موجب تأثیرگذاری بر دو مؤلفه اول می شود؛ در نتیجه آن، اندازه دولت و بخش دولتی در اقتصاد افزایش و به همان میزان بخش خصوصی ضعیف می شود. نکته ای که در اینجا لازم است بدان اشاره گردد آن است که وجود منبع رانت به رغم اینکه موجب ایجاد یک وجه مشترک در دولت های رانتیر می گردد اما لزوماً سرانجام و

محتوای این دولت‌ها را یکسان نمی‌سازد و این تفاوت به مؤلفه‌هایی دیگری چون جغرافیا، جمعیت، فرهنگ و... آن کشورها بازمی‌گردد. لذا تأکید و هدف این مقاله بررسی تأثیر وجود رانت در خصوصی‌سازی است.

اهمیت موضوع مورد بحث در این مقاله، یعنی تأثیر دولت رانتیر بر فرآیند خصوصی‌سازی، از آن جهت است که خصوصی‌سازی و کاستن از اندازه حجم دولت، همواره و در تمامی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب، مورد تأکید و توجه دولت‌های مختلف بوده است، لکن به دلایلی که در ادامه این مقاله بدان‌ها پرداخته خواهد شد با موفقیت همراه نگشته و به صورت ناقص عملیاتی گردیده است.

در خصوص موضوع مورد بررسی در این مقاله، هرچند تاکنون پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که به عنوان نمونه می‌توان به خضری و رنالی (۱۳۸۳)، کارشناس و حکیمیان (۱۳۸۴)، جعفری صمیمی و محنت‌فر (۱۳۸۷)، پسران و دیگران (۱۳۹۱)، دین‌پرست و ساعی (۱۳۹۱)، شقاقی و دیگران (۱۳۹۴) و میرترابی و دیگران (۱۳۹۵) اشاره کرد، لکن در هیچ‌کدام از پژوهش‌های نام‌برده، از منظر اقتصاد سیاسی و بر اساس چشم‌انداز تاریخی، خصوصی‌سازی در ایران و کنکاش در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مورد توجه قرار نگرفته است. از این‌رو می‌توان گفت نوآوری مقاله حاضر در آن است که از منظر اقتصاد سیاسی و در یک سیر تاریخی، سیاست‌های خصوصی‌سازی را بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس، هدف اصلی مقاله نشان دادن ارتباط بین دولت رانتیر و تأثیر آن بر فرآیند خصوصی‌سازی است تا از این طریق بتوان سیاست‌های خصوصی‌سازی را متناسب با شرایط اقتصاد سیاسی ایران، بعد از انقلاب اسلامی، به پیش برد.

رویکرد مورد استفاده در این مقاله رویکرد اقتصاد سیاسی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. رویکرد یا رهیافت عبارت از جهت‌گیری خاصی است که یک محقق در مطالعه پدیده‌های اجتماعی اتخاذ می‌کند. به عبارت دیگر، هر محقق در کاربست چارچوب‌های مفهومی و به منظور کشف انواع فرضیه‌ها و نظریه‌ها می‌تواند به اتخاذ یک بینش کلی ویژه بپردازد که همان رویکرد اوست. رویکرد اقتصاد سیاسی، در واقع با این باور که سیاست و اقتصاد به هم مرتبط‌اند، به بررسی چگونگی ارتباط آن‌ها و تأثیرشان بر یکدیگر می‌پردازد (حاجی یوسفی، ۱۳۷۸: ۱۲). از این‌رو باید اقتصاد سیاسی را رویکردی دانست که دو کلیدواژه و عنصر اصلی آن دولت و بازار است که بسته به شرایط، عناصر و بازیگران دیگری نیز می‌توانند به آن اضافه یا کاسته شوند. در واقع، این مقاله در چارچوب رویکرد اقتصاد سیاسی به توصیف و تحلیل فرآیند خصوصی‌سازی در بعد از انقلاب خواهد پرداخت.

با توجه به این توضیحات صورت‌بندی مقاله به شرح زیر خواهد بود:

۱- در ابتدا چیستی و ماهیت دولت رانتیر بررسی می‌شود؛ سپس با ارزیابی سه مؤلفه دخیل در بزرگ یا کوچک شدن اندازه دولت‌ها در اقتصاد، به تأثیر دولت‌های رانتیر بر این سه مؤلفه پرداخته می‌شود.

۲- بر اساس شاخص ۴۰ درصدی وابستگی به رانت منابع طبیعی (۱۹۸۷: ۷۰)، نشان داده می‌شود که دولت در ایران، از قرارداد کنسرسیوم و حتی قبل‌تر از آن، به سمت رانتیر بودن در حرکت بوده است که اوج آن در قبل از انقلاب را در سال‌های آغازین دهه ۵۰ می‌توان مشاهده کرد. همچنین نشان خواهیم داد که دولت رانتیر در قبل از انقلاب، از طریق دو مؤلفه افزایش حجم بودجه عمومی دولت و مقررات‌گذاری، به گسترش اندازه دولت در اقتصاد کمک کرده است.

۳- در ادامه مقاله نشان داده خواهد شد که با پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی جدید، نه تنها حجم و اندازه دولت در اقتصاد کاهش نیافت بلکه این‌روند دارای سیر افزایشی نیز بوده است. برای نشان دادن افزایش اندازه دولت در دوران پساانقلاب، سهم بودجه‌ای شرکت‌های دولتی از بودجه کل کشور به عنوان شاخص خصوصی‌سازی در نظر گرفته شده است.

۴- در بخش پایانی مقاله نیز با بررسی اصلاحیه اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۴، مشکلات نظری و عملی پیش روی این اصلاحیه در اجرای سیاست خصوصی‌سازی بررسی و راهکارها و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این مقاله، روی لینک زیر کلیک کنید.